



بررسی مدیریت سود (مروری بر تحقیقات انجام شده)

چکیده

اکثر تحقیقات اخیر بر نحوه اثرگذاری روش های حسابداری و شیوه های مختلف افشا بر پیش بینی سود و تخمین ارزش سرمایه گذاران و تحلیل گران تاکید دارند. این مقالات، ادبیات وسیعی را دربرمی گیرد که اغلب با عنوان مدیریت سود و انتخاب های حسابداری مطرح می شود. بسیاری از این مطالعات در مورد گزارشگری مالی و مدیریت سود و انتخاب های حسابداری، انجام گرفته اند. هدف این مقاله، مرور مطالعات اخیر صورت گرفته در داخل و خارج از کشور است که ادراک مدیریت سود و روش های حسابداری را بهبود بخشیده اند. در این مطالعات، طرح های تحقیق مدیریت سود، انواع مدیریت سود و انگیزه های مدیران برای انجام مدیریت سود به همراه مصادیق آن ها بیان شده است. این مقاله، با هدف کمک به طیف وسیعی از دانشجویان، محققان و سیاست گذاران نوشته شده است که علاقه مند به کسب اطلاعات بیش تر راجع به مدیریت سود و روش های حسابداری هستند.

مقدمه

اکثر تحقیقات اخیر بر نحوه اثرگذاری روش های حسابداری و شیوه های مختلف افشا بر پیش بینی سود و تخمین ارزش سرمایه گذاران و تحلیل گران تاکید دارند. این مقالات، ادبیات وسیعی را دربرمی گیرد که اغلب با عنوان مدیریت سود و انتخاب های حسابداری مطرح می شود. بسیاری از این مطالعات در مورد گزارشگری مالی (لیبی، بلوم فیلد و نلسون، ۲۰۰۲) و مدیریت سود و انتخاب های حسابداری (فیلدز، لیس و ویسنت، ۲۰۰۱ و هیلی و وال، ۱۹۹۹)، انجام گرفته اند. هدف این مقاله، مرور مطالعات اخیر صورت گرفته در داخل و خارج از کشور است که به بررسی و آزمون مفاهیم منحصر به فرد و جدیدی می پردازند که ادراک مدیریت سود و روش های حسابداری را بهبود بخشیده اند. این مقاله، با هدف کمک به طیف وسیعی از دانشجویان، محققان و سیاست گذاران

نوشته شده است که علاقه مند به کسب اطلاعات بیش تر راجع به مدیریت سود و روش های حسابداری هستند. این مفاهیم شامل روش های مختلف حسابداری، برآورد ها، طبقه بندی ها، میزان جزئیات و شکل نمایش اطلاعات در افشای اطلاعات به طور اجباری، هم چنین تناوب، زمان بندی و محتوای افشای داوطلبانه اطلاعات است و در برگیرنده "مدیریت سودهای واقعی" یا گزینه های مختلف ساختار و مبلغ واقعی سودهای ناشی از فعالیت های تولیدی و سرمایه گذاری است که با هدف دستیابی به هدف خاص

حجت اله فرزانی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری

نرگس رضاپور

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری





نگاره ۱ - تمایز میان تقلب و مدیریت سود (دیچو و دیگران ۲۰۰۰)، برگرفته از دستگیر و ناظمی، ۱۳۸۷

انتخاب جریان های نقدی «واقعی» براساس اصول پذیرفته شده حسابداری	انتخاب های حسابداری	
	شناسایی بیش از اندازه ذخایر و اندوخته ها	حسابداری محافظه کارانه
	ارزش گذاری بیش از میزان واقعی مخارج و تحقیق و توسعه در حال انجام مربوط به تحصیل واحدهای تجاری	
	ارائه بیش از حد مخارج تجدید سازمان و کنار گذاری دارایی ها	سود بیطرفانه
فروش با تاخیر، تسریع در شناسایی مخارج تحقیق و توسعه و تبلیغات	سودی که در نتیجه فعالیت های بی طرفانه بدست آمده است	
	کمتر از واقع نشان دادن ذخایر مربوط به بد حساسی های مشتریان	حسابداری جسورانه
	کمتر نشان دادن ذخایر یا اندوخته ها به گونه جسورانه	
	تخلف از اصول پذیرفته شده حسابداری:	
	ثبت فروش پیش از تحقق آن	
	ثبت فروش های موهوم	
معوق نمودن مخارج تحقیق و توسعه یا تبلیغات	ثبت فاکتورهای فروش در تاریخ های پیش از فروش واقعی	
شتاب بخشیدن به فروش	زیاد از حد نشان دادن موجودی کالا با ثبت کالاهای موهوم	حسابداری متقلبانانه

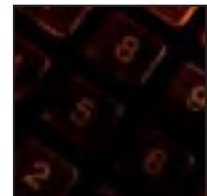
ثالث، برای برخورداری از مزیتی ناروا یا غیرقانونی است. هدف برخی از تقلبات ممکن است تحریف صورت های مالی نباشد. تقلبی که با دخالت یک یا چند نفر از مدیران واحد مورد رسیدگی روی می دهد به عنوان تقلب مدیران و تقلبی که تنها توسط کارکنان واحد مورد رسیدگی صورت می پذیرد به عنوان تقلب کارکنان نامیده می شود. در هر دو حالت، ممکن است تبانی با اشخاص ثالث خارج از واحد مورد رسیدگی نیز وجود داشته باشد. (استاندارد حسابرسی ایران، ۱۳۸۵، بخش ۲۴، بند ۴). در نگاره شماره ۱ وجه تمایز تقلب و مدیریت سود نشان داده شده است. در این جدول به مصادیق تقلب و مواردی اشاره شده است که مدیر می تواند از اختیارات خود برای به کارگیری روش های حسابداری معینی بهره بگیرد. نکته اصلی در این جدول آن است که وجه تمایز ساختاری میان رویه های حسابداری تقلب آمیز، قضاوت ها و برآوردهای مجاز بر اساس اصول پذیرفته شده حسابداری با هدف مدیریت سود وجود دارد. اما واقعیت این است که در بسیاری از موارد تشخیص انگیزه و نیت مدیر برای تفکیک فعالیت های متقلبانانه

حسابداری مثل تحقق یا تخطی از پیش بینی یا جلوگیری از شناسایی بدهی انجام می شود. به این گزینه ها به عنوان نتایج نهایی تصمیمات اتخاذ شده توسط مدیران، حسابرسان و راهبران شرکت نگاه می شود.

از این رو، در میان تحقیقات حوزه حسابداری و مالی شاید هیچ کدام تحریک بر انگیزتر از مدیریت سود نباشد، زیرا موضوع دارای ظرفیت بالقوه خطاکاری، ناسازگاری و معما است. بر اساس آرای "هیلی و والن" (۱۹۹۹) و شیبیر (۱۹۸۹) "مدیریت سود زمانی رخ می دهد که مدیران از قضاوت در گزارشگری مالی استفاده کنند و معاملات را طوری ترتیب دهند که گزارش های مالی موجب گمراهی برخی افراد ذینفع از عملکرد اقتصادی شرکت شود یا نتایج توافقات مبتنی بر ارقام حسابداری تحت تاثیر قرار گیرد." به عبارت ساده تر، شخصی کاری را انجام می دهد که به شخص دیگر ضرر می زند. حسابرسان، قانون گذاران، سرمایه گذاران و محققان در حین یافتن این خطاکاری و حل معما ممکن است به نتیجه تقلب هم برسند (لیبی و سییرت، ۲۰۰۹). اسکات (۱۹۹۷) به مدیریت سود به عنوان اختیار شرکت در انتخاب سیاست های حسابداری برای دستیابی به برخی اهداف خاص مدیر، اشاره می کند.

اگر چه تعاریف پیش گفته به میزان زیادی مورد پذیرش قرار گرفته است اما عملیاتی کردن آن با استفاده از ارقام حسابداری کار دشواری است، زیرا موضوع اصلی، نیت و انگیزه مدیر است که قابل مشاهده نیست.

طبق استاندارد حسابرسی ایران، تقلب^۱ هرگونه اقدام عمدی یا فریبکارانه یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص



اکثر تحقیقات اخیر بر نحوه اثرگذاری روش های حسابداری و شیوه های مختلف افشا بر پیش بینی سود و تخمین ارزش سرمایه گذاران و تحلیل گران تاکید دارند. این مقالات، ادبیات وسیعی را دربرمی گیرد که اغلب با عنوان مدیریت سود و انتخاب های حسابداری مطرح می شود.

و مدیریت سود کار دشواری است و شواهد عینی در این زمینه یافت نمی شود (دستگیر و ناظمی، ۱۳۸۷).

طرح های تحقیق مدیریت سود

طرح تحقیق مطالعات گذشته بر روی مدیریت سود به طور کلی به سه طبقه تقسیم می شود :

۱. سری های زمانی

۲. مقطعی^۲

۳. مقطعی بین المللی^۳

تحقیق "تیو و همکاران" (۱۹۹۸) رویکرد سری زمانی است به طوری که از صورت های مالی موجود در اطلاعاتی قبل از عرضه اولیه سهام به عنوان مبنای مقایسه با ارقام سال عرضه اولیه سهام استفاده کرد. در میان مطالعات فراوان استفاده شده از رویکرد مقطعی، تحقیق بال و شیواکومار (۲۰۰۵) صورت های مالی شرکت های خصوصی و عمومی انگلیس را مقایسه کرده است و هم چنین ابراهیمی و حسنی آذر (۱۳۸۵) با بررسی ۳۰ شرکت عرضه کننده اولیه سهام در بین سال های ۷۸ تا ۸۰ نشان دادند که مدیران، سود شرکت ها را در

سال قبل از عرضه اولیه و سال عرضه اولیه سهام به عموم، مدیریت می کنند. البته اکثر تحقیقات صورت گرفته در ایران از این رویکرد استفاده کرده اند در این زمینه می توان به تحقیقات نوروش و دیگران (۱۳۸۴)، پورحیدری و افلاطونی (۱۳۸۵)، مشایخی و صفری (۱۳۸۵) و هاشمی و صمدی (۱۳۸۸) اشاره کرد. رویکرد مقطعی بین المللی، تغییری از رویکرد مقطعی است که تفاوت های بین المللی در موسسات را استخراج می کند. در تمام این تحقیقات، مبنا کامل نیست و اندازه گیری کردن مدیریت سود دشوار است (کین لو، ۲۰۰۸).

مدیریت سود واقعی در مقابل مدیریت سود از طریق ارقام

2- Cross-sectional

3- Cross-country

حسابداری

نویسندگان مدیریت سود را به دو طبقه گسترده طبقه بندی کرده اند : مدیریت سود واقعی^۴ (برای نمونه تحت تاثیر قرار دادن جریان های نقدی) و مدیریت اقلام تعهدی^۵ به واسطه تغییرات در برآوردها و رویه های حسابداری که مدیریت سود از طریق ارقام حسابداری^۶ نام دارد. هم چنین آن ها بیان داشتند که مخارج مدیریت سود برای این روش ها متفاوت است و به طور کلی برای شرکت، مدیریت سود واقعی پر هزینه تر در نظر گرفته شده است. اما شواهد بررسی تحقیقات "گراهام و همکاران" (۲۰۰۵) نشان می دهد که مدیران خواهان مدیریت سود واقعی هستند تا مدیریت اقلام تعهدی. به طوری که ۸۰٪ مخارج اختیاری را کاهش می دهند، ۵۵٪ پروژه ها را به تاخیر می اندازند در صورتی که تنها ۲۸٪ از مدیران ذخیره در نظر می گیرند و ۸٪ از مدیران مفروضات حسابداری را تغییر می دهند. بنابراین شواهد حاصل از تحقیق تناقض با مخارج بالای مدیریت سود واقعی را اظهار می کند (کین لو، ۲۰۰۸). مطالعات گذشته به بررسی تمایل مدیران برای مدیریت سود هم از طریق دستکاری های حسابداری^۷ و هم از طریق فعالیتهای واقعی به انجا مختلف، از جمله ترکیبی از مدیریت سود واقعی و حسابداری پرداخته اند (وانگ و دسوزا، ۲۰۰۷، زانگ (۲۰۰۷)، فرانسیس (۲۰۰۱) و فیلدز و دیگران (۲۰۰۱) به مشکلات تجزیه تحلیل تغییرات اطلاعات گذشته به دلیل تصمیمات سرمایه گذاری واقعی اشاره کرده اند که با اهداف گزارشگری مالی اتخاذ می شوند. زیرا عوامل بالقوه معدودی بر این تصمیمات اثرگذارند. "گراهام و دیگران" (۲۰۰۵) نشان داده اند که مدیران مخارج اختیاری (تحقیق و توسعه و تبلیغات) و تصمیمات سرمایه گذاری برای طرح های جدید را جزو بهترین راهها برای رسیدن به سودهای تعیین شده خود طبقه بندی می کنند و این به آن معناست که مدیریت سود واقعی می تواند بسیار متداول باشد. تحقیق نلسون و دیگران (۲۰۰۲)، نقطه نظرات حسابرسان در مورد تلاش های مدیران برای مدیریت سود مورد مطالعه قرار داده و به این نتیجه رسیده است که اکثر شیوههای دستکاری از نوع حسابداری بوده است و مربوط به ذخایر، شناخت درآمد، تلفیق و دارایی های نامشهود بوده است (لیبی و سیبرت، ۲۰۰۹). مشایخی و صفری (۱۳۸۵) با بررسی شرکت های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال های ۸۲-۷۹ نشان دادند که مدیریت سود در این شرکت ها اعمال می شود و هم چنین شرکت های با فعالیت های عملیاتی ضعیف راهبرد افزایش اقلام تعهدی و شرکت های با فعالیت های عملیاتی عالی است راهبرد کاهش اقلام تعهدی را در پیش می گیرند. مشایخی و همکاران (۱۳۸۴) با بررسی شرکت های تولیدی



طبق استاندارد حسابداری ایران، تقلب هرگونه اقدام عمدی یا فریبکارانه یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث، برای برخورداری از مزیتی ناروا یا غیرقانونی است. هدف برخی از تقلبات ممکن است تحریف صورت های مالی نباشد.

4- Real-based earning management

5- Accruals

6- Accounting-Based Earnings Management

7- accounting manipulation

پراکندگی سودهای گزارش شده و هموارسازی آن، افزایش قیمت سهام، نمایش بهتر عملکرد شرکت و کاهش هزینه های سیاسی شرکت هستند (لیبی و سیبرت، ۲۰۰۹). وجود رفتارهای مدیران برای مدیریت سود به منظور اثرات مثبت آن بر قیمت سهام شرکت، نشان دهنده این است که به طور منطقی انگیزه های قوی تر برای بالا بردن قیمت سهام یا جذب سرمایه گذاران بیش تر، موجب افزایش مدیریت سود می شود. به عنوان نمونه، "شریعت پناهی و سمایی" (۱۳۸۳) با بررسی ۴۴ شرکت در طی سال های ۸۰-۷۷ نشان دادند که بین هموارسازی و در نتیجه مدیریت سود و بازده تعدیل شده بر اساس ریسک رابطه معنی داری وجود دارد و شرکت هایی که هموارسازی سود را انجام می دهند به طور میانگین بازده غیرعادی بیش تری دارند. بوجراج و لیبی (۲۰۰۵) به طور مشابه توانستند انگیزه های مربوط به بازار سرمایه را با دستکاری کردن وجود انتشار قریب الوقوع سهام که باعث می شود مدیران بتوانند به شکل راهبردی پروژه هایی را گزینش کنند که سبب افزایش سود گزارش شده و قیمت سهام می شود. "هانتون، لیبی و مازا" (۲۰۰۶) دریافتند که مدیران برای رسیدن به پیش بینی تحلیل گران درگیر مدیریت سود می شوند و معتقدند که انجام چنین کاری موجب افزایش قیمت سهام شرکت می شود (لیبی و سیبرت، ۲۰۰۹).

درحالی که مطالعاتی که به بررسی انگیزه های بازار سرمایه می پردازند، بر گزارشگری مالی خارجی و اثرات آن بر قیمت سهام تمرکز دارند، برخی از تحقیقات در پی ارزیابی این امر هستند که آیا انگیزه های شهرت شخصی می تواند منجر به مدیریت سود شود یا خیر؟ "هانتون، مالدین و ویلر" (۲۰۰۶) دریافتند که اضطراب و نگرانی ناشی از عملیات ایجاد شده توسط حسابرسی داخلی مداوم می تواند موجب شود تا مدیران درگیر مدیریت سود واقعی بزرگتر شوند. "سیبرت" (۲۰۰۸) نشان می دهند که سرمایه ای کردن مخارج

پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال های ۸۲-۷۶ نشان دادند که مدیریت سود در این شرکت ها اعمال می شود و مدیریت برای جبران کاهش وجوه نقد حاصل از عملیات (بیان گر عملکرد ضعیف واحد تجاری)، اقدام به افزایش سود از طریق افزایش اقلام تعهدی اختیاری^۸ کرده است. نوروش و همکاران (۱۳۸۴) با بررسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال های ۸۲-۷۵ نشان دادند که مدیریت سود در این شرکت ها اعمال می شود و مدیریت با دستکاری اقلام تعهدی به این مهم دست می یابند.

هر دو نوع مدیریت سود به شدت در تحقیقات تجربی مستند شده است. تحقیقات نشان می دهند که مدیریت سود می تواند در زمینه های شناخت در آمد (کادوس و دیگران ۲۰۰۳)، ارزش گذاری موجودی کالا (لیبی و کینی ۲۰۰۲ و هانتون و رز ۲۰۰۷) اختیار خرید سهام و مخارج لیزینگ (لیبی و دیگران ۲۰۰۶) و ارزشیابی ارزش منصفانه (مازا و دیگران ۲۰۰۷) به وقوع بپیوندد. مدیریت سود واقعی می تواند در اشکال انتخاب پروژه جدید (بوجراج و لیبی ۲۰۰۵) فروش راهبردی اوراق بهادار (هانتون، مالدین و ویلر ۲۰۰۶) مخارج کنترل کیفیت (هانتون، مالدین و ویلر ۲۰۰۶) تصمیمات جایگزینی ماشین آلات (جکسون ۲۰۰۸) و سرمایه گذاری اضافی در پروژه های تحقیق و توسعه در حال اجرا صورت پذیرد (سیبرت ۲۰۰۸).

تشخیص انگیزه های مدیریت برای انجام مدیریت سود

در حالی که وجود و شیوع مدیریت سود در کانون توجه تعداد زیادی از تحقیقات قرار داشته است، فهم انگیزه های خاص مدیریت سود برای کشف و جلوگیری از این رفتارها اساسی به نظر می رسد. فیلدز و دیگران^۹ (۲۰۰۱) توضیح می دهد که چگونه انگیزه های متفاوت معمولاً رفتارهای یکسانی را از مدیریت سود پیش بینی می کند، زیرا آشکار ساختن مداخلات مربوط به انگیزه خاص در اکثر تحقیقات رفتاری با مشکل روبروست. علاوه بر وجود این محدودیتها، مشکل دیگر جدا کردن رفتارهای مدیریت سود از سایر اثرات گزارشگری مالی است. برای مثال، برگ استالر و دیشو (۱۹۹۷) به وجود گسستگی در توزیع سودهای گزارش شده به عنوان شاهدهی برای مدیریت سود برای رسیدن به سودهای تعیین شده اشاره می کند، اما مقالات بعدی نشان می دهند که چگونه مالیات بر درآمد اقلام خاص و اشتباهات پیش بینی تحلیل گران می توانند برخی از این نتایج را توضیح دهند (دورچی و ایستون ۲۰۰۵، بیور). تا کنون، انگیزه های آزمون شده شامل فشارهای بازار سرمایه، مسائل مربوط به شهرت شخصی^{۱۰}، صرفه جویی مالیاتی^{۱۱}، قراردادهای پاداش و جبران خدمات^{۱۱}، کم کردن



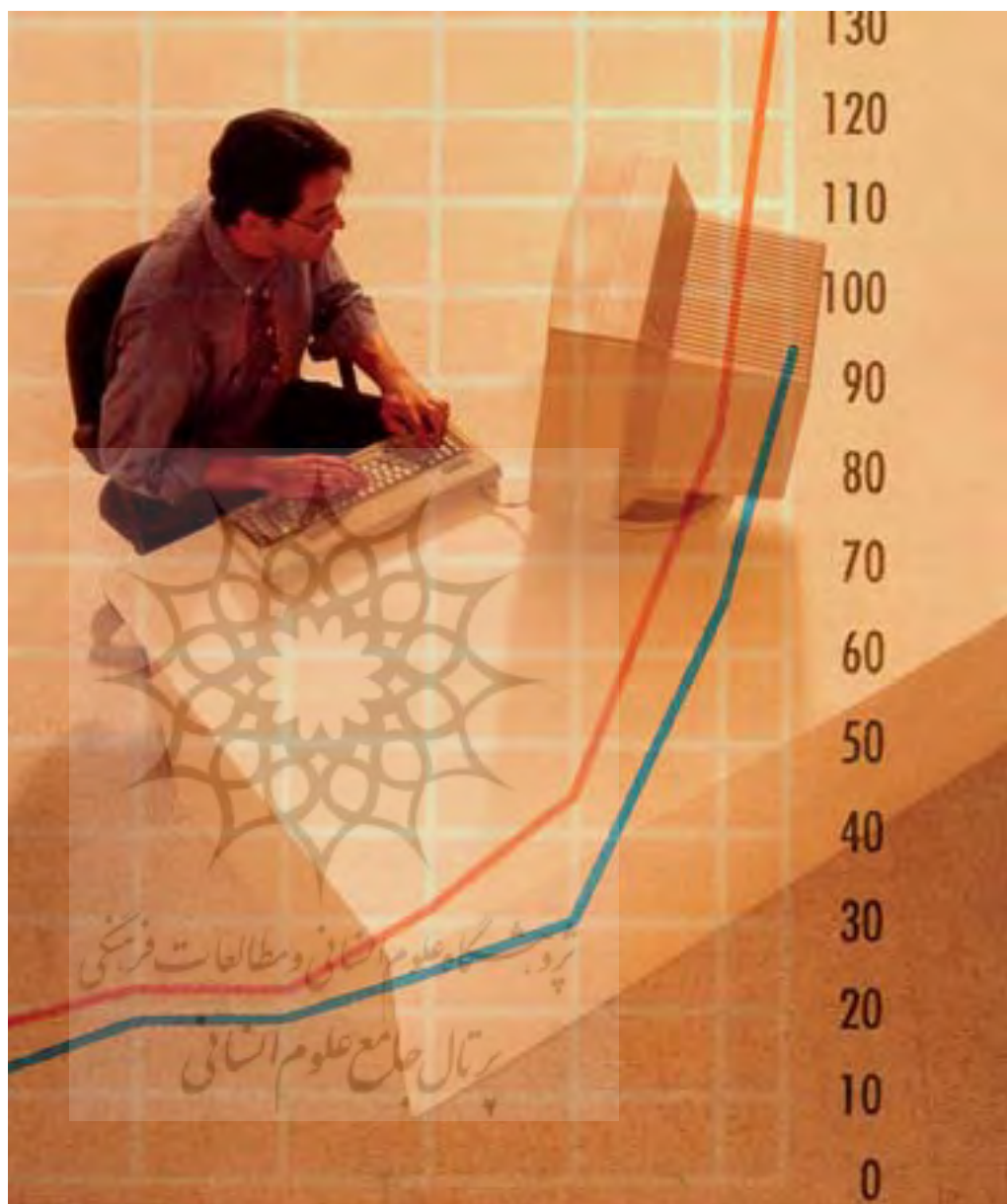
نویسندگان مدیریت سود را به دو طبقه گسترده طبقه بندی کرده اند: مدیریت سود واقعی (برای نمونه تحت تاثیر قرار دادن جریان های نقدی) و مدیریت اقلام تعهدی به واسطه تغییرات در برآوردها و رویه های حسابداری که مدیریت سود از طریق ارقام حسابداری نام دارد.

8- Discretionary Accruals

9- individual reputation concerns

10- tax savings

11- bonus compensation



مطالعات گذشته به بررسی تمایل مدیران برای مدیریت سود هم از طریق دستکاری های حسابداری و هم از طریق فعالیتهای واقعی به انجا مختلف، از جمله ترکیبی از مدیریت سود واقعی و حسابداری پرداخته اند (وانگ و دسوزا ۲۰۰۷، زانگ ۲۰۰۷).

سایر انگیزه های مدیریت سود که مورد توجه تحقیقات قرار گرفته اند، شامل صرفه جویی های بالقوه مالیاتی و قراردادهای پاداش وجبران خدمات مدیران، نوروش و همکاران (۱۳۸۴) با بررسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال های ۸۲-۷۵ نشان دادند که مدیریت سود در این شرکت ها اعمال می شود و مدیران شرکت های بزرگ از اقلام تعهدی برای به حداقل رساندن مالیات شرکت های خود استفاده می کنند به عبارت دیگر، انگیزه مدیریت سود

تحقیق و توسعه و حسابداری کاهش ارزش ها می تواند موجب شود تا مدیران در پروژه های جاری تحقیق و توسعه، سرمایه گذاری اضافی کنند. این امر به این دلیل رخ می دهد که مدیران از بابت مخدوش شدن شهرت خود به دلیل رها کردن پروژه ای نگران هستند که به کاهش ارزش دارایی منجر می شود.



در این تحقیق صرفه جویی مالیاتی می تواند باشد و همچنین زیاد بودن بدهی شرکت، تمایل مدیران برای مدیریت سود را بیش تر می کند. کلوید، پت و استاک (۱۹۹۶) نشان داده اند که مدیران روش های راهبردی گزارشگری را انتخاب می کنند که به تقویت جایگاه مالیاتی بی پروایانه آن ها کمک می کند و این تایید کننده این امر است که انگیزه های مالیاتی می تواند موجب بروز دستکاری در گزارشگری شود (لیبی و سیرت، ۲۰۰۹). پورحیدری و افلاطونی (۱۳۸۵) نیز با بررسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال های ۸۳-۸۰ نشان دادند که هموارسازی سود در این شرکت ها با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری اعمال می شود و مالیات بر درآمد و انحراف در فعالیت های عملیاتی محرک های اصلی برای هموار نمودن سود هستند. "مازا، هانتون و مک اوین" (۲۰۰۷) دریافتند که مدیران در ارزشیابی، ارزش منصفانه ای را گزینش می کنند که پاداش آن ها را افزایش دهد، در تایید اینکه انگیزه های پاداش مدیران به شکل فرصت طلبانه ای، آن ها را برای مدیریت سود ترغیب می کند. در حالی که این نتایج نشان دهنده آن است که انگیزه های پاداش می تواند به مدیریت سود منجر شود، "گراهام و دیگران" (۲۰۰۵) دریافتند که مدیران اجرایی انگیزه پاداش و جبران خدمات را عامل کم اهمیت تر مدیریت سود (به نسبت انگیزه های بازار سرمایه و شهرت) برای رسیدن به سود های تعیین شده می دانند (لیبی و سیرت، ۲۰۰۹). البته تحقیقات صورت گرفته در ایران، (برای نمونه پورحیدری و همتی، ۱۳۸۳) و نوروش و همکاران، (۱۳۸۴). ارتباط معنی داری میان متغیر پاداش و مدیریت سود ملاحظه نکرده اند.

خلاصه

تحقیقات تجربی با دستکاری در انگیزه های فشار بازار سرمایه، مخدوش شدن احتمالی شهرت، صرفه جویی های مالیاتی، قراردادهای بدهی و پاداش، نشان داده اند که هر یک از این انگیزه ها می توانند عامل مهمی در بروز مدیریت سود واقعی و حسابداری شود. در مجموع، شواهد مطالعات موید آن است که مدیران به شکل خود آگاه تمایل دارند که درگیر مدیریت سود شوند تا بدین وسیله اهداف مختلف خود را تحقق بخشند. از آنجا که احتمالاً نوعی بدنامی با مدیریت سود همراه است، این واقعیت که مدیران گرایش خود را برای درگیر شدن در چنین رفتارهایی را افشا کنند، حتی اطمینان بیش تری را در مورد انگیزه های مورد بررسی فراهم می آورد که منجر به مدیریت سود در محیط طبیعی می شود (لیبی و سیرت، ۲۰۰۹).

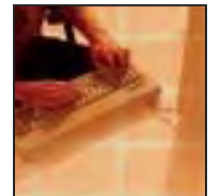
منابع و ماخذ

منابع فارسی

۱. ابراهیمی کردلر، علی و الهام حسینی آذر (۱۳۸۵)، "بررسی مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام به عموم در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۳، ۴۵-۲۳
۲. پورحیدری، امید و داوود همتی (۱۳۸۳)، "بررسی اثر

۳. پورحیدری، امید و عباس افلاطونی (۱۳۸۵)، "بررسی انگیزه های هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۳۶، ۴۷-۶۳
۴. دستگیر، محسن و امین ناظمی (۱۳۸۷)، "بررسی نظرات استادان دانشگاه ها، حسابداران حرفه ای و قانون گذاران در رابطه با مدیریت سود: مروری بر تحقیقات انجام شده در ایران"، دانش و پژوهش حسابداری
۵. شریعت پناهی، مجید و حسین سمایی (۱۳۸۳)، "هموارسازی سود و بازده تعدیل شده بر اساس ریسک"، تدبیر، ۵۲، ۱۴۶-۵۶
۶. کمیته فنی استانداردهای حسابداری و حسابرسی (۱۳۸۶)، "استانداردهای حسابرسی بخش ۲۴"، سازمان حسابرسی
۷. مشایخی، بیتا، ساسان مهرانی، کاوه مهرانی و غلامرضا کرمی (۱۳۸۴)، "نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۴۰، ۸۱-۹۶
۸. مشایخی، بیتا و مریم صفری (۱۳۸۵)، "وجه نقد ناشی از عملیات و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۴۴، ۳۵-۵۴
۹. نوروش، ایرج، سحر سپاسی و محمد رضا نیکبخت (۱۳۸۴)، "بررسی مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۴۳، ۱۶۵-۱۷۷
۱۰. هاشمی، سید عباس و ولی الله صمدی (۱۳۸۸)، "آثار هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی آن در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، تحقیقات حسابداری،

منابع لاتین



"فیلدز و دیگران"

(۲۰۰۱) توضیح می دهد که چگونه انگیزه های متفاوت معمولاً رفتارهای یکسانی را از مدیریت سود پیش بینی می کند، زیرا آشکار ساختن مداخلات مربوط به انگیزه خاص در اکثر تحقیقات رفتاری با مشکل روبروست.



در حالی که مطالعاتی که به بررسی انگیزه های بازار سرمایه می پردازند، بر گزارشگری مالی خارجی و اثرات آن بر قیمت سهام تمرکز دارند، برخی از تحقیقات در پی ارزیابی این امر هستند که آیا انگیزه های شهرت شخصی می تواند منجر به مدیریت سود شود یا خیر؟

accounting choices?" *Accounting, Organizations and Society*

12. Jackson, S. (2008) "The effect of firms' depreciation method choice on managers' capital investment decisions." *Accounting Review* 83.

13. Kadous, K., J.S.Kennedy, & M. E. Peecher. (2003) "The effect of quality assessment and directional goal commitment on auditors' acceptance of client-preferred accounting methods." *Accounting Review* 78: 759-778.

14. Kin Lo, (2008) "Earnings management & Earnings quality" , *Journal of Accounting & Economics*, 45, 350-357

15. Libby, Bloomfield & Nelson, (2002)"Experimental research in financial accounting" , *Accounting, organizations & Society*, 27, 775-810

16. Libby, R., & W. R. Kinney. (2000) "Does mandated audit communication reduce opportunistic corrections to manage earnings forecasts?" *Accounting Review* 75: 383-404.

17. Libby, R., M. W. Nelson, and J. E. Hunton. (2006) "Recognition v. disclosure, auditor tolerance for misstatement, and the reliability of stock compensation and lease information." *Journal of Accounting Research* 44: 533-560.

18. Libby & Seybert (2009) , "Behavioral studies of the effects of regulation on Earnings management and Accounting Choice" available at : <http://ssrn.com>

19. Mazza, C., J. E. Hunton, and R. A. McEwen. (2007) "The relevance and unintended consequence of fair value measurements for asset retirement obligations: Experimental evidence from financial executives and financial analysts." Working paper, Fordham University.

20. Nelson, M. W., J. A. Elliott, and R. L. Tarpley. (2002) "Evidence from auditors about managers' and auditors' earnings management decisions." *Accounting Review* 77: 175-202.

21. Seybert, N. (2008) "R&D capitalization and overinvestment in continuing projects." Working paper, University of Texas at Austin.

22. Scott , W.R. (1997). "Financial Accounting Theory", Prentice Hall , Scarborough

23. Schipper,k. (1989)."Earning Management" *Accounting Horizons*, Dec, 91-102

24. Teoh, S.H., Welch, I., Wong, T.J., (1998)."Earnings management and the subsequent market performance of initial public offerings" *Journal of Finance*, 53.

25. Wang, S., and J. D'Souza. (2007) "Earnings management: The effect of accounting flexibility on R&D investment choices." Working Paper, Cornell University

26. Zang, A. (2007) "Evidence on the tradeoff between real manipulation and accrual manipulation" Working Paper, University of Rochester

1. Ball, R.& Shivakumar, L.,(2005). "Earnings quality in UK private firms: comparative loss recognition timeliness", *Journal of Accounting & Economics* , 39 , 83-128

2. Bhojraj, S., and R. Libby. (2005)"Capital market pressure, disclosure frequency-induced earnings/cash flow conflict, and managerial myopia." *Accounting Review* 80: 1-20.

3. Burgstahler, D., and I. Dichev. (1997) "Earnings management to avoid earnings decreases and losses." *Journal of Accounting and Economics* 24 (1): 99-126.

4. Durtschi, C., and P. D. Easton. (2005) "Earnings management? The shapes of the frequency distributions of earnings metrics are not ipso facto evidence." *Journal of Accounting Research* 43: 557-592.

5. Fields, Lys and L.Vincent,(2001) "Empirical research on accounting choice" *Journal of Accounting & Economics*, 31, 255-307

6. Francis, J. (2001) "Discussion of empirical research on accounting choice." *Journal of Accounting and Economics* 31: 309-319.

7. Graham, J.R., Harvey, C.R., Rajgopal, S., (2005)."The economic implications of corporate financial reporting" *Journal of Accounting and Economics* 40, 3-73.

8. Healy and Wahlen, (1999). "A review of the earnings management literature and its implications for standard setting" *Accounting Horizons*, 13(4), 365-383

9. Hunton, J. E., R. Libby, and C. L. Mazza. (2006) "Financial reporting transparency and earnings management." *Accounting Review* 81

10. Hunton, J.E., E.Mauldin, & P.Wheeler. (2006) "Intended and unintended consequences of continuous auditing and incentive compensation: Trapped between risk and reward." Working paper, Bentley College.

11. Hunton, J. E., and J. Rose.(2007) "Can directors' self-interests influence